

مثنوی معنوی

تردیان آسمان

تراوش خامه‌ی شریف

مولانا جلال الدین محمد حسینی بلخی

(مشهور به: مولوی رومی و ملای روم)

همراه با: یادداشت‌های روشنگر، نکات و اشارات

بر پایه‌ی دستنویس ارجمند نگهداری شده در: کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی

دانشگاه مک گیل کانادا (مونرال)

جزو نخست از دفتر نخست

به کوشش:

محمد رضا مهم

سرشناسنامه: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق.

عنوان کتاب: مثنوی معنوی، نردبان آسمان.

فروست: جزو نخست از دفتر نخست.

مشخصات ناشر: آران و بیدگل: پیام امین، ۱۴۰۰.

شابک: ج ۱: ۸-۲۳-۸۵۶۲-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۵-۲۴-۸۵۶۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا (چاپ اول).

یادداشت: کتابنامه: ۴۹۳ص

موضوع: مثنوی. برگزیده - نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ق. - تاریخ و نقد

شناسه افزوده: مهم، محمد رضا، ۱۳۵۶، گردآورنده.

رده بندی کنگره: PIR۵۳۰۱

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۸۶۳۴۶

مثنوی معنوی، نردبان آسمان

محمد رضا مهم

حروف نگاری: انتشارات پیام امین آران و بیدگل

تنظیم و صفحه آرایی: مهدی محتشمی

طراح جلد: ابوالفضل شومالی

چاپ اول / ۱۴۰۰ / ۲۰۰ تیراژ

شابک: ج ۱: ۸-۲۳-۸۵۶۲-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۵-۲۴-۸۵۶۲-۶۰۰-۹۷۸

قطع: رقعی

حق چاپ برای گردآورنده محفوظ است.

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان.

فهرست مطالب

نی نامه.....	۱۷
حکایت پادشاه و کنیزک.....	۲۹
حکایت پادشاه و عاشق شدن بر آن، کنیزک و خریدن پادشاه: آن کنیزک را، و رنجور شدن آن	
کنیزک و تدبیر معالجه‌ی پادشاه: بهر کنیزک.....	۲۹
ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه‌ی کنیزک، بر پادشاه و به درگاه حق- تعالی - روی آوردن پادشاه:	
و در خواب دیدن پادشاه، آن ولی را؛ و حل مشکل او.....	۳۳
از خداوند- ولی التوفیق- در خواست توفیق رعایت ادب- در همه حال- و بیان کردن وخامت و	
ضررهای بی ادبی.....	۳۸
خلوت، طلبیدن آن ولی؛ از پادشاه با آن کنیزک، به جهت دریافت مرض و رنج آن کنیزک.....	۵۳
و عده‌ها و لطف‌های آن حکیم:.....	۶۰
در یافتن آن ولی؛ رنج کنیزک را، و عرضه داشتن رنج او؛ پیش پادشاه.....	۶۱
در بیان آنکه کشتن زرمگر، به اشارت الاهی بود؛ نه به هوای نفسانی و تعلل [تألی؟] فاسد.....	۶۸
حکایت بقال و طوطی، و روغن ریختن طوطی در دکان.....	۷۲
داستان پادشاه جهود، که نصرانیان را می‌کشت- از بهر: تعصب-.....	۸۷
در تلبیس وزیر با نصارا، و در معنای: الْقُلُوبُ تَشَاهِدُ؛ و در جستن خلاص از مکرها و تلبیسات نفس	
و شیاطین درونی و برونی، که: ... مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ؛ و در طلب توفیق و اخلاص در اعمال.....	۹۱
متابعت نصارا، آن وزیر جهود را.....	۹۷
در تمثیل عارف و حال او، و معنای آیه ی: اَللّٰهُ يَتَوَفّٰى الْاَنفُسَ- حِينَ مَوْتِهَا- وَ اَلَّتِي، لَمْ تَمُتْ؛ فی	
منامها.....	۱۰۱
قصه‌ی دیدن خلیفه، لیلارا در بیشه؛ و از حال دنیا: تمثیل حال ایشان.....	۱۰۷
در: تحریض متابعت ولی مرشد.....	۱۱۰
حسد کردن آن وزیر ظالم.....	۱۱۴
بیان دوازده سبط نصارا.....	۱۱۸
تخلیط وزیر در احکام انجیل.....	۱۱۹

- در بیان آنکه این اختلاف در صورت زوشت است. نه در حقیقت راه ۱۲۷
- در بیان خسارت وزیر، در این مکر ۱۳۲
- بر انگیزختن وزیر، مکر دیگر؛ در اضلال قوم عیسی (عَلَيْهِ السَّلَام) ۱۴۰
- مکرزد کردن مریدان با وزیر که: خلوت را بشکن ۱۴۵
- جواب گفتن وزیر، که: خلوت را نمی شگنم ۱۴۸
- نومید کردن وزیر، مریدان را: از رقص خلوت ۱۵۹
- کشتن وزیر، خویشتن را- در آن خلوت- به سبب تعصب ۱۶۲
- طلب کردن امت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَام) که: ولی عهد- از. شما- کدام است؟! ۱۶۳
- در بیان آنکه: جمله پیغمبران، بر حق اند: لَا تَفْرُقُ بَيْنَ أَخَدٍ مِنْ رُسُلِهِ ۱۶۴
- در بیان آنکه انبیا (عَلَيْهِمُ السَّلَام) گفتند: كُلُّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ زیرا که آن چه ندانند، انکار کنند و ایشان را؛ زبان دارد. ۱۶۸
- جنگ کردن امراء در: ولی عهدی و تیغ کشیدن بر یکدیگر ۱۶۹
- کوی نو مبنی ۱۷۴
- تعظیم نصارا، نعت رسول (عَلَيْهِ السَّلَام) را: که در انجیل؛ مذکور بود ۱۷۴
- مهر پاکان، در میان حال، نشانی؛ الی آخر ۱۷۵
- نام احمد، چون حصارى شد: حصین! ۱۷۵
- قضه‌ی پادشاه جهود، که در هلاک دین عیسی (عَلَيْهِ السَّلَام) سعی نمود ۱۷۷
- حق، فشانند: آن نور را؛ بر جان‌ها ۱۸۴
- جزوها را ... الی آخره ۱۸۵
- آتش کردن پادشاه جهود و بت نهادن یهلوی آتش، که: هر که این بت را سجود کرد؛ از آتش سوزان برست و اگر نه- البتّه- در آتش سوزان، می باید نشست ۱۸۶
- آوردن پادشاه جهود، زنی را با طفل و انداختن؛ طفل را در آتش و به سخن آمدن طفل و تحریض کردن خلق را: در افتادن در آن آتش ۱۸۹
- انداختن مردمان، خویش را در آتش- به شوق و محبت [م؟!؟] ۱۹۴
- کژ مانند دهان آن مرد، که نام حضرت محمّد را (صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) به تسخر؛ خوانده بود ۱۹۵
- عتاب پادشاه جهود، بر آتش؛ که: چرا نمی سوزی؟! و جواب گفتن آتش که: مأمور حقّم! ۱۹۷
- قضه‌ی باد که در عهد هود (عَلَيْهِ السَّلَام) قوم عاد را هلاک کرد ۲۰۲
- طنز و انکار کردن پادشاه جهود و قبول نا کردن نصیحت ناصحان ۲۰۶
- بر جستن آتش: چهل گز بالا، و حلقه شدن و جهودان را در میان گرفتن و سوختن! ۲۰۷
- چشم هر قوم ۲۱۱
- حکایت شیر و نخچیران ۲۱۳

حکایت شیر و نخچیران ، و بیان توکل و تسلیم؛ و تکیه بر جهد و اکتساب گفتن نخچیران با شیر	۲۱۳
جواب شیر: نخچیران را، و فائده‌ی جهد گفتن	۲۱۴
ترجیح نهادن نخچیران: توکل را، بر جهد و اکتساب	۲۱۵
ترجیح نهادن شیر: جهد و اکتساب را، بر توکل و تسلیم	۲۱۶
ترجیح نهادن نخچیران: توکل و تسلیم را، بر جهد و اکتساب	۲۱۸
باز، ترجیح نهادن شیر: جهد را؛ بر توکل و تسلیم	۲۲۱
باز، ترجیح نهادن نخچیران: توکل را؛ بر جهد و کسب	۲۲۴
نگریستن عزرائیل بر شخصی و گریختن آن شخص در سرای سلیمان و تقریر توکل بر جهد و	
قَلَت فائده‌ی جهد	۲۲۶
ترجیح نهادن شیر: جهد را بر توکل، و فوائد جهد و کسب را بیان کردن	۲۳۰
انکار کردن نخچیران بر خرگوش، به سبب تأخیر رفتن بر شیر	۲۳۷
اعتراض کردن نخچیران بر سخن خرگوش	۲۳۸
جواب گفتن خرگوش، مر نخچیران را که: سخن خوار مدارید	۲۳۹
منع کردن خرگوش از افشای راز و باز داشتن از ایشان	۲۴۶
مکر کردن خرگوش با شیر و به سر بردن آن را	۲۴۸
زیافت تأویل ربیک مگس	۲۵۷
رنجیدن شیر، از دیر آمدن خرگوش و بیان آن	۲۵۹
هم در بیان مکر خرگوش و تأخیر کردن او، در رفتن پیش شیر	۲۶۲
عذر گفتن خرگوش و لایه کردن او: مر، شیر را	۲۷۵
جواب گفتن شیر: خرگوش را، و روان شدن شیر با او	۲۷۸
قضه‌ی هدهد و سلیمان، آنکه: چون قضا آید، چشم بسته شود	۲۸۱
نظر کردن شیر، در چاه و دیدن عکس خود؛ و عکس خرگوش را	۲۹۹
مژده بردن خرگوش، سوی نخچیران؛ که: شیر ظالم در چاه افتاد	۳۰۶
جمع گشتن نخچیران، گرد خرگوش و ثنا گفتن: مر؛ خرگوش را	۳۱۰
پند دادن خرگوش، نخچیران را؛ که: بدین شاد نشود!	۳۱۲
تفسیر حدیث: رَجَعْنَا مِنْ [آل.؟!] جِهَادِ الْأَصْفَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ	۳۱۳
آمدن رسول قیصر رومی، تا امیر المؤمنین؛ عمر (رضی الله عنه) و دیدن کرامات از امیر	۳۱۸
یافتن رسول روم: امیر المؤمنین، عمر را (رضی الله عنه) خفته- در زیر درخت	۳۲۲
یدار شدن امیر المؤمنین، عمر (رضی الله عنه) از خواب و سلام کردن رسول روم: او را	۳۲۴
سؤال رسول روم از امیر المؤمنین، عمر (رضی الله عنه؟) (از حقیقت جان	۳۲۷

اضافت کردن آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) زَلَّتْ را به خویش، که: رَبُّنَا ظَلَمَنَا ... و اضافت ابليس: گناه خود را به

جانب حق - تعالی - که: بِمَا أَغْوَيْتَنِي ... ۳۳۴

تفسیر قول الله - تعالی: وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ! ۳۴۰

سؤال کردن رسول روم از امیر المؤمنین، عمر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) سبب ابتلائی ارواح به این آب و گل

..... ۳۴۱

در بیان: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ، فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ! ۳۴۵

قصه‌ی بازرگان ۳۴۹

قصه‌ی بازرگان، که به هندوستان - به تجارت - می‌رفت و طوطی محبوس: او را پیغام داد: به

طوطیان هندوستان ۳۴۹

آواز که دارد نی بازار کریم است! (؟) ۳۵۳

دیدن خواجه: طوطیان هندوستان را، و پیغام طوطی رسانیدن ۳۵۷

تعظیم کردن ساحران، موسی را (عَلَيْهِ السَّلَام) که: چه فرمایی: اوّل تو اندازی عصا، یا ما؟! موسی

(عَلَيْهِ السَّلَام) گفت: اوّل شما اندازید! ۳۶۲

باز گفتن بازرگان با طوطی: آن چه دیده بود، از طوطیان هند ۳۶۹

شنیدن طوطی: حرکت طوطیان را، و مردن طوطی در قفس و نوحه کردن خواجه بر او ۳۷۸

سوختن، من ۳۸۳

تا، که: شیرینی ۳۹۵

تفسیر قول حکیم سنایی: ۳۹۵

بیرون افکندن خواجه: طوطی مرده را از قفس، و پریدن طوطی مرده ۴۰۷

وداع کردن طوطی: مر، خواجه را و پریدن ۴۱۰

مضرت تعظیم خلقان و انگشت نما، شدن ۴۱۱

تفسیر: مَا شَاءَ اللَّهُ، كَانَ ۴۱۶

تفسیر قول حکیم سنایی: ۴۲۱

داستان پیر چنگی ۴۳۳

داستان پیر چنگی، در عهد امیر المؤمنین: عمر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) از پیر خدا - روز بینوایی رفت و در

گورستان، چنگ می‌زد ۴۳۳

تفسیر: مَنْ كَانَ لِلَّهِ، كَانَ اللَّهُ لَهُ - هر که از آن او شد: او نیز [او؟!؟] از آن او ست! ۴۳۸

تفسیر حدیث: إِنْ لَزَيْتُمْ - فِي أَيَّامِ ذَهْرِ كُمْ - تَفَحَّطَ، إِلَّا: فَتَعَرَّضُوا: لَهَا! ۴۳۲

سؤال کردن عاشقه‌ی صنیقه (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا) از حضرت رسالت (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): امروز

باران ببارید - چون تو، سوی گورستان رفتی - جامه‌های تو: چون تر نیست؟! ۴۴۷

- در معنای این حدیث که: **إِغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّيِّعِ، فَإِنَّهُ يَعْمَلُ بِأَبْدَانِكُمْ؛ كَمَا يَعْمَلُ بِأَشْجَارِكُمْ. وَ اجْتَنِبُوا بَرْدَ التَّخْرِيفِ- فَإِنَّهُ يَعْمَلُ بِأَبْدَانِكُمْ، كَمَا يَعْمَلُ بِأَشْجَارِكُمْ-!** ۴۵۳
- پرسیدن صدیقه (رضی الله عنها) از حضرت رسالت (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) که: سَرِّ بَارَانَ امروز، چه بود؟! ۴۵۵
- در خواب، گفتن هاتق: مر عمر را (رضی الله عنه) که: چندین مال از بیت المال بردار و به آن مرد، ده- که در آن گورستان، در فلان جا؛ خفته است- ۴۶۲
- نابینن اُسْتَن حَتَّانَه- چون برای حضرت رسالت پناه (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) منبر ساختند، که جماعت انبوه شد؛ گفتند: ما روی مبارک رسول (عَلَيْهِ السَّلَام) را به هنگام وعظ، نمی بینیم- و نشیندن رسول (عَلَيْهِ السَّلَام) و صحابه: آن تاله را، و سؤال و جواب آن ستون، آن حضرت را- صریح و روشن- ۴۶۴
- اظهار معجزه‌ی حضرت (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و به سخن آمدن سنگریزه در دست ابو جهل، و گواهی دادن سنگریزه بر حقیقت محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) ۴۷۲
- تمامی قصه‌ی مطرب و پیغام رسانیدن امیر المؤمنین، عمر (رضی الله عنه) به او: آن چه هاتق؛ آواز داد ۴۷۴
- گردانیدن امیر المؤمنین عمر (رضی الله عنه) مطه‌ی او را، از مقام گریه؛ که: هستی ست- به مقام استغراق- که مستی ست! ۴۷۹
- تفسیر دعای آن دو فرشته، که- هر روز- در بازار؛ مُنادی می کنند که: **اَللّهُمَّ، اَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا؛ اَللّهُمَّ [اَعْطِ!!!] كُلَّ مُمَسِكٍ تَلْفًا؛** و بیان کردن که: آن مُنْفِق، مجاهد راه حق است؛ نه مُسْرِف راه هوا ۴۸۳
- قربان کردن سروران مکه، به امید آنکه؛ قربانی ایشان؛ قبول است! ۴۸۶
- قصه‌ی خلیفه، که در زمان خود- در کرم- از حاتم طایی گذشته بود و نظیر جود- در جهان- نداشت؛ در: هَمَّت و سخاوت ۴۸۸
- ویژگی ها: ۴۹۰